



مقالات



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

دیداخته دوازده رسول*

فاطمه توفیقی**

اشاره

دیداخته دوازده رسول از آثار مهم و معروف صدر مسیحیت است. مؤلف، مکان و زمان تألیف و یا حتی شکل اصلی کتاب نامشخص است و خود آن نیز تا قرن نوزدهم مفقود بوده است. اما دانشمندان توافق دارند که این اثر مقطعی مهم از تاریخ مسیحیت را بازتاب می‌دهد - هنگامی که مسیحیت استقلالی نسبی یافت و مسیحیان یهودی‌الاصل که مخاطبان اصلی این اثر هستند با رفتار خاص خود در پی تمایز از محیط بت‌پرست یا یهودیشان بودند. متن امروزی دیداخته به چهار بخش تقسیم می‌شود. بخش نخست (فصول ۱-۶) در قالب تعالیمی اخلاقی درباره دو راه زندگی و مرگ سخن می‌گوید. بخش دوم (فصول ۷-۱۰) دستورهای پیرامون شیوه عبادت دارد. بخش سوم (فصول ۱۱-۱۳) پیرامون رسولان و انبیای کلیساست. بخش پایانی (فصل ۱۶) به آخرالزمان و آمادگی برای بازگشت مسیح اختصاص دارد. این اثر برای نخستین بار از اصل یونانی به فارسی ترجمه می‌شود و مترجم در آغاز اطلاعاتی را پیرامون آن ارائه می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: دیداخته، مسیحیت نخستین، رسولان، اخلاق و عبادت مسیحی، آخرالزمان

* مشخصات کتاب‌شناختی این اثر چنین است:

Bart D. Ehrman (ed.) (2003), "Didache", In *The Apostolic Fathers*, Volume 1, London and Cambridge: Harvard University Press, pp. 416-443.

** پژوهشگر ادیان ابراهیمی.

دیدار *دوازده رسول*^۱ از دو جهت اهمیتی ویژه دارد: نخست آنکه این کتاب در تاریخ مسیحیت و به ویژه در قرون آغازین، اثری مقدس و گاهی هم‌سنگ با کتاب‌های عهد جدید دانسته شده است؛^۲ دوم آنکه این اثر می‌تواند بسیاری از آیین‌ها و رفتارهای صدر مسیحیت را به ما معرفی کند. این کتاب با وجود اهمیت فراوان مدت‌ها از دسترس دور بود، تا اینکه اسقف برینویس (Bishop Bryenois) آن را در سال ۱۸۷۳ در مجموعه *Codex Hierosolymitanus* در کتابخانه صومعه‌ای در استانبول یافت و در سال ۱۸۸۳ آن را منتشر کرد.

گرچه در ابتدای این اثر دو عنوان *Διδαχή τῶν δώδεκα ἀποστόλων* (تعلیم دوازده رسول) و *Διδαχή κυρίου διὰ τῶν δώδεκα ἀποστόλων τοῖς ἔθνεσιν* (تعلیم خداوند از طریق دوازده رسول به امت‌ها) به چشم می‌خورد، اما عنوان دوم به گونه‌ای نوشته شده است که گویا نسخه‌بردار آن را بخشی از متن می‌داند (Zangenberg, 2008: 46). دانشمندان نیز پیوسته بحث کرده‌اند که کدام یک از این دو عنوان، عنوان اصلی اثر است و حتی برخی گفته‌اند ممکن است که هیچ یک از این دو عنوان، خاص این اثر نباشد (Ibid: 46-47). گفته می‌شود که انتخاب این عنوان عام، یعنی تعلیم دوازده رسول، برای اجتناب از انتساب این متن به یک رسول خاص بوده است و گویا این عنوان ناظر به تعبیر «تعلیم رسولان» در اعمال رسولان (۴۲:۲) است.

زمان و مکان نگارش دیدار/خه

یکی از مطالب مورد بحث درباره دیدار/خه تاریخ نگارش آن است. دانشمندان مطمئن هستند که این اثر در قرن سوم معروف بوده است؛ اما درباره تاریخ نگارش آن هنوز به توافق نرسیده‌اند. امروزه بسیاری معتقدند که این کتاب کوچک منابع متعددی داشته و تغییرات فراوانی را پشت سر گذاشته است. از آنجا که این کتاب از منابعی مانند موعظه

۱. *Didache of the Twelve Apostles*; واژه «دیدار/خه» در اصل یونانی به معنای «تعلیم» است، اما با توجه به شیوع عنوان *دیدار/خه* در زبان‌های گوناگون، در ترجمه حاضر نیز این عنوان حفظ شد. اما در سراسر اثر واژه تعلیم به کار می‌رود.

۲. در برخی از حلقه‌های مسیحی *دیدار/خه* ارزشی بیشتر از برخی کتاب‌های عهد جدید داشته است (Mitchell and Young, 2006: 212-13).

روی کوه استفاده و به آنها استناد کرده است، باید پس از سال‌های ۶۰-۷۰ نگارش یافته باشد و از سوی دیگر، از آنجا که از کلیسایی با ساختار منظم که در آثار مربوط به اواخر قرن دوم دیده می‌شود، سخن نمی‌گوید، ویرایش نهایی آن باید در اوایل قرن دوم صورت گرفته باشد (Ehrman, 2008: 459; Ehrman, 2003: 411; Quasten, 1995: 36-37).

در مورد مکان تألیف این اثر نیز توافقی میان دانشمندان وجود ندارد. یک گروه از ایشان منشأ آن را مصر می‌دانند؛ زیرا قدیمی‌ترین نوشته‌هایی که از این اثر نام برده‌اند متون مسیحی مصری هستند و همچنین تعبیر «تکه نان» که در این اثر آمده است (دیداخه ۳:۹) فقط در متون مربوط به مسیحیت مصری به چشم می‌خورد. دیگران با توجه به شباهت دیداخه با انجیل متی (و بازتاب یافتن محیطی مرکب از یهودیان و مسیحیان در این دو اثر)، کمبود آب روان (دیداخه ۲:۷) و جمع شدن نان از کوه‌ها (دیداخه ۴:۹) دیداخه را به سوریه (یا مشخصاً انطاکیه) مربوط می‌دانند (Ehrman, 2003: 411; Zangenber, 2008: 69). اما عدم آشنایی دیداخه با مفاهیم موجود در آثار ایگناتیوس انطاکی و دوری آن از اندیشه‌های پولس دلایلی برای رد فرضیه نگارش آن در انطاکیه هستند (Zangenber, 2008: 69). اما دانشمندان به طور کلی، محل نگارش آن را جایی در شرق مدیترانه می‌دانند: «از آنچه خود دیداخه مستقیماً به ما می‌گوید، فقط می‌توانیم به این نتیجه برسیم که این متن از جایی در مدیترانه یونانی‌زبان (شرقی) می‌آید، ریشه‌ای عمیق در یهودیت دارد و شباهت‌های بسیاری با انجیل متی و شباهت‌هایی کمتر اما مهمی با رساله یعقوب در آن یافت می‌شود و احتمالاً هر دو از "محیط" یکسانی برخاسته‌اند» (Ibid).

اما منظور از این «محیط» چیست؟ بسیار گفته شده است که دیداخه به مسیحیان یهودی‌الاصل مربوط می‌شود. مسیحیان یهودی‌الاصل قدیم‌ترین گروه مسیحیان بودند که به تدریج از بین رفتند. آنان مسیحیانی بودند که راه ورود به مسیحیت را گرویدن به یهودیت (و انجام آیین‌هایی مانند ختنه) می‌دانستند. احتمالاً یعقوب «برادر خداوند» (غلاطیان ۱:۱۹) و تا اندازه‌ای پطرس به این گروه تعلق داشتند. سرچشمه بسیاری از دستوره‌ای دیداخه سنت یهودی است و بسیاری از دستوره‌ای آن درصدد است که مسیحیان را به صورت گروه یهودی متمایزی معرفی کند. دیداخه مقطعی تاریخی را در مسیحیت ثبت می‌کند که مسیحیت در مراحل نخستین جدا شدن از یهودی بود. در این شرایط مسیحیان می‌خواستند در عین حفظ گونه‌ای ارتباط با یهودیت، گروهی جدا از

یهودیان و بت پرستان باشند. شواهدی در تأیید این مدعا وجود دارد؛ مانند اشاره این متن به یهودیان با واژه «ریاکاران» (ύποκριται)، تعیین روزهای جداگانه‌ای برای روزه‌گیری (چهارشنبه و جمعه به جای دوشنبه و پنج‌شنبه که تا زمان حاضر نیز نزد یهودیان مرسوم است)، پیشنهاد اوراد جدیدی برای دعا بدون لغو کل آیین، و نصب انبیا به جای کاهنان یهودیت. به عبارت دیگر از دید/خه می‌توان نتیجه گرفت که در آن مقطع، مسیحیان به آیین‌های یهودی پای‌بند بودند، گرچه شکل آنها را تغییر می‌دادند. مسیحیان یهودی‌الصل دید/خه از محیط رومی-یونانی اطراف خود آگاه بودند و جمع خود را نیز از رفتارهایی مانند جادوگری، افسونگری، تنجیم و غلامبارگی که در آیین‌های بت پرستان رایج بود، برحذر می‌داشتند.

گرچه همه دانشمندان اتفاق دارند که منشأ دید/خه جامعه مسیحیان یهودی‌الصل است، برخی گفته‌اند که این اثر به مسیحیان غیریهودی‌الصل نیز توجه داشته است؛ برای نمونه، بسیاری از دانشمندان گفته‌اند که عبارت «یوغ خداوند» در دید/خه ۲:۶، با توجه به متی ۱۱:۲۸-۳۰ به معنای تورات است: «اگر بتوانی همه یوغ خداوند را تحمل کنی، کامل هستی؛ اما اگر نمی‌توانی، آنچه را می‌توانی، انجام بده». در نتیجه این کتاب به غیریهودیانی که می‌خواهند به مسیحیت بگروند، توصیه می‌کند که تا جایی که می‌توانند به تورات عمل کنند و بدین شیوه با وجود تأکید بر تورات، راه را برای مسیحیان غیریهودی نیز باز گذاشته است (Drapeer, 2007: 16).

پروژه پژوهشی علوم انسانی و معارف فرهنگی

الاهیات، مسیح‌شناسی و کلیساشناسی

دید/خه اطلاعات چندانی درباره‌ی الهیات مسیحی به ما نمی‌دهد؛ بلکه بیشتر درصدد تنظیم رفتار مسیحیان است. اما در عین حال می‌توان از دعاهای مذکور در آن - که صرفاً از جامعه یا سنت اقتباس شده‌اند - آگاهی‌هایی درباره‌ی الهیات حاکم بر آن به دست آورد؛ مانند اینکه مخاطب این دعاها «پدر (ما)» است به تثلیث اشاره شده است در بخش‌هایی مانند دستور تعمید (۷: او ۳)؛ گرچه توضیحی درباره‌ی مفهوم آن داده نشده است؛ عیسی مسیح، «بنده خدا» و خداوند است (درباره‌ی دو عنوان اخیر در دنباله این گفتار توضیح خواهیم داد)؛ رابطه‌ی داوود و مسیح بسیار مهم است، به‌ویژه از آن جهت که نام داوود دو بار در این اثر آمده است، و گفته شده است که هنگام بازگشت مسیح

کلیسای پدر در ملکوت جمع خواهند شد (۴:۹؛ ۵:۱۰؛ Draper, 2007: 16). امید به این بازگشت مسیح و دعا برای آن در همه جای این دعاها وجود دارد، گرچه به صورت مشروح‌تر در فصل شانزده که مربوط به آخرالزمان است، دیده می‌شود.

مسیح‌خاندان داوود و ملکوت پدر دقیقاً به کلیسا (ἐκκλησία) مربوط می‌شوند؛ از این رو، کلیسا هم برای زندگی روزانه و جمع شدن به منظور عبادت اهمیت دارد و هم تداعی‌کننده جمع مسیحیان در ملکوت خداست، گرچه ضرورتاً انفکاک بی‌این دو کارکرد وجود ندارد. در حوزه رفتارهای روزانه، دیدار/خ فقط به افرادی اجازه حضور در مراسم عشاء ربانی را می‌دهد که قبلاً تعمید یافته باشند (۵:۹) و قبل از تعمید نیز باید به تعالیم اخلاقی «دو راه» عمل کرده باشند. بر این اساس حضور کسی که با دوستش در نزاع است، قربانی را نجس خواهد کرد (۱۴:۲). در عین حال کلیسا «قوم و نژاد تازه مسیحیان است که روزی در ملکوت خدا برقرار خواهد شد» (Quasten, 1995: 35). همان‌گونه که «تکه نان» عشاء ربانی از دانه‌های پراکنده در کوه‌ها درست شده است، کلیسا نیز در ملکوت خدا «از بادهای اربعه» جمع خواهد شد (۴:۹ و ۵:۱۰).

نوع ادبی

یکی از نکات جالب توجه در مورد دیدار/خ نوع ادبی آن است که آن را از بسیاری از متون صدر مسیحیت متمایز می‌سازد. ما با انواع ادبی رساله‌ای، انجیلی و مکاشفه‌ای (و نیز «تاریخ‌نگاری» ویژه اعمال رسولان) در عهد جدید یا متون اپوکریفایی مسیحیت آشنا هستیم؛ اما دیدار/خ بسیاری از اموری را که دغدغه بزرگان کلیسا بود و معمولاً به صورت پراکنده در انواع ادبی دیگر دیده می‌شود، به طور مدون جمع‌آوری کرده است و ترکیبی از انواع ادبی گوناگون را ارائه می‌دهد.

در آغاز کتاب فصل‌های ۱-۶، مجموعه‌ای از تعالیم اخلاقی (مانند آنچه در موعظه روی کوه و رساله یعقوب دیده می‌شود) وجود دارد که با ادبیات حکمت‌آمیز یهودی (مانند کتاب امثال سلیمان، حکمت یسوع بن سیراخ یا کتاب سوداپیگرافی احیقار) پیوند دارد؛ اما دستورهای اخلاقی دیدار/خ نه مانند متون عهد جدید مختصر و گذرا هستند و نه مانند ادبیات حکمت‌آمیز یهودی مفصل. همچنین دیدار/خ بر خلاف مجموعه ادبیات حکمت‌آمیز فوق از کلمات قصار همراه با متناقض‌نما و قلب و...

تشکیل نشده؛ بلکه همه پیام را در قالب فهرستی قابل فهم، ساده و بی‌پیرایه آورده است. باید توجه داشت که تعلیمات اخلاقی آثار یونانی-رومی نیز در ادبیات حکمت‌آمیز و نیز دیداچه دست مؤثر بوده است.

این بخش به دلیل درون‌مایه خاصش، بخش «دو راه» نیز نامیده می‌شود. همین درون‌مایه در رساله برنابا ۱۸-۲۰ (مربوط به نیمه قرن دوم) نیز با عباراتی مشابه دیده می‌شود. گرچه مدت‌ها دانشمندان می‌کوشیدند یکی از این دو اثر را منبع دیگری بدانند، امروزه تقریباً همه توافق دارند که هر دو از منبع یهودی مشترکی استفاده کرده‌اند (به‌ویژه آنکه مطالبی از این دست در طومارهای بحرالمیت نیز دیده می‌شود). به دلیل اهمیت این بخش، گاه می‌توان فرض کرد که نویسندگان متقدم، دیداچه را مترادف با همین قسمت می‌دانستند. در فصول مربوط به تعلیم «دو راه» علاوه بر تعالیم به جامانده از عهد عتیق، می‌توانیم دستورهای اخلاقی مانند ممنوعیت سقط جنین (۲:۲) را برای نخستین بار در ادبیات مسیحی ببینیم. همچنین گفته می‌شود که ۱:۳-۱:۲ بخشی الحاقی است که یا خود مؤلف و یا منبع وی به «دو راه» افزوده‌اند. این بخش به دلیل شباهت با تعالیم موعظه روی کوه «قطعه انجیلی» (sectio evangelica / gospel section) نامیده می‌شود. گفته می‌شود که فصول مربوط به «دو راه» با توجه به استفاده از منابع یهودی، ممکن است در اصل به نیمه قرن اول میلادی مربوط باشد (Ehrman, 2003: 408).

در فصل‌های ۷-۱۰ دستورهایی پیرامون تعمید، عشای ربانی، روزه و دعا وجود دارد. این نوع ادبی متأسفانه کمتر در آثار صدر مسیحیت به چشم می‌خورد، مگر در جملاتی پراکنده در رساله‌های پولس. بنابراین دیداچه قدیمی‌ترین اثری است که این اطلاعات را ارائه می‌کند. سخن گفتن از مسیحیت واحد در دوره نگارش دیداچه بسیار دشوار است و تنوع گرایش‌های موجود در بخش‌های گوناگون عهد جدید نیز به این امر شهادت می‌دهد؛ اما رفتارهای عبادی ارائه‌شده در دیداچه نشان می‌دهد که چگونه مسیحیان با تمایز در دعا، روزه، تعمید و عشای ربانی درصدد بودند خود را از محیط بت‌پرست و همچنین یهودی اطرافشان جدا کنند، در عین حال دیداچه از اورادی سخن می‌گوید که مسلماً در جمع مسیحیان تقریباً به همین شکل رواج داشته‌اند. تعمید و عشای ربانی رفتارهای خاص مسیحی هستند، گرچه در اوراد مربوط به آنها از مفاهیم یهودی (مانند تاک داوود) سخن می‌رود. روزه و دعا باید مانند سنت یهودی به ترتیب

دو بار در هفته و سه بار در روز اجرا شوند، گرچه شکل اجرای آنها تفاوت می‌یابد. پس از آن، دیدار در فصل‌های ۱۱-۱۵ به مبشران سیار می‌پردازد و به رسولان، انبیا، انبیای دروغین، اسقفان و شماسان اشاره می‌کند. این بخش نیز اطلاعاتی ناب درباره سلسله مراتب کلیسا و تبشیر به دست می‌دهد. یکی از مشکلات کلیسا ظهور انبیای دروغین بوده است که دیدار راهکارهای جالب توجهی برای تشخیص آنان ارائه می‌کند. این بخش نسبتاً قدیمی است و ظاهراً به زمانی مربوط می‌شود که کلیسا نظم موجود در اواخر قرن دوم را نیافته بود.

سرانجام دیدار در فصل ۱۶ به آخرالزمان می‌پردازد و حتی علایمی را برای بازگشت مسیح ذکر می‌کند. می‌دانیم که در مسیحیت بازگشت دوم مسیح با روز داوری هم‌زمان است. بر خلاف مکاشفه یوحنا که در رؤیا به آخرالزمان می‌پردازد، دیدار امور مملوس‌تر را ارائه می‌کند. همچنین به «فریبنده جهان» (۴:۱۶) اشاره می‌شود که مانند مسیح با انجام معجزات پیروانی گرد می‌آورد.

تدوین دیدار

با توجه به مطالب بالا کاملاً مشخص است که متن قطعه‌قطعه‌ای که در دست ماست، حاصل کار گردآورنده‌ای ناشناس اما تواناست. این گردآورنده که اصطلاحاً دیدارچیست (Didachist)؛ این واژه بر قیاس evangelist ساخته شده که به معنای انجیل‌نگار است) نامیده می‌شود، احتمالاً در اوایل قرن دوم میلادی در نقطه‌ای در شرق مدیترانه در میان مسیحیان یهودی‌الاصل می‌زیسته است. هنر ویژه دیدارچیست آن بود که همه این متون پراکنده را به هم مرتبط ساخت. روش نخست او این است که گذر از هر بخش (موضوع) به بخش (موضوع) دیگر را با عباراتی روان‌تر می‌کند؛ مثلاً وی در فصل ۶ تعلیم «دو راه» را به فصول بعد ربط می‌دهد؛ روزه پیش از تعمید به سخن درباره روزه هفتگی و نماز و جز اینها می‌انجامد؛ ۱:۱۱ نیز «تعلیم» را به سخن درباره ویژگی‌های رسولان و انبیا (معلمان) پیوند می‌دهد. در درجه دوم دیدارچیست با استفاده از کلیدواژه‌های خاص مسیحی مانند کلیسا، ملکوت، تعلیم، انجیل و مانند اینها متن را منسجم و یکدست می‌سازد. هنر دیگر دیدارچیست این است که با استفاده از نقل‌قول‌ها، اشاره به «دوازده رسول» و از همه مهم‌تر «انجیل خداوند» به سخنانی که نقل می‌کند حجیت می‌بخشد.

توضیحاتی درباره چند واژه

نام عیسی در دیداچه چندان زیاد نیست. نمونه‌ها از این قرارند: ۹: ۴ و ۳ (شکرگزاری مربوط به عشای ربانی)؛ ۱۰: ۲ (شکرگزاری پس از شام خداوند) و بخش نامشخص ۱۰: ۷ (شکرگزاری تدهین). همه این موارد در ضمن دعا (شکرگزاری) هستند. غیر از ۹: ۴ که از عنوان عیسی مسیح استفاده کرده است، در سایر موارد عنوان عیسی $\pi\alpha\iota\varsigma$ به معنای «فرزند» و «بنده» است. با بررسی واژه‌های مربوط به بنده و فرزند می‌توانیم به معانی این عناوین پی ببریم. در بسیاری از مواردی که ادبیات مسیحی (به‌ویژه عهد جدید) یا ترجمه سبعینیه از عنوان «بنده» استفاده کرده‌اند، واژه $\delta\omicron\upsilon\lambda\omicron\varsigma$ را به کار برده‌اند که مشخصاً به معنای بنده (و معادل واژه عبری עֶבֶר) است. همچنین واژه $\tau\acute{\epsilon}\kappa\nu\omicron\nu$ به معنای فرزند در معنای حقیقی و مجازی به معنای «فرزند انسان» یا «فرزند خدا» نیز هم در ترجمه سبعینیه و هم در عهد جدید دیده می‌شود. در واقع $\tau\acute{\epsilon}\kappa\nu\omicron\nu \tau\omicron\upsilon \theta\epsilon\omicron\upsilon$ به معنای «فرزندان خدا» به معنایی عام برای مؤمنان به کار می‌رفت (رک: یوحنا ۱: ۱۲). واژه مرتبط دیگر $\nu\iota\omicron\varsigma$ («پسر»، به معنای پسر فیزیکی یا پسرخوانده یا حتی پسر با معنای مجازی) است که گرچه می‌توان آن را به صورت عام هم در ترجمه سبعینیه و هم در عهد جدید به معنای «مؤمنان» دید، در الاهیات مسیحی طی بحث‌هایی (که همچنان نیز ادامه دارد) به مفهوم رابطه خاص میان خدا و عیسی تبدیل شد. بر این اساس، عیسی به عنوان پسر (the Son و نه son) با همه موجودات متفاوت است. این معنا کم‌کم به اعتقاد به الوهیت عیسی انجامید.

اما عنوان $\pi\alpha\iota\varsigma$ که در دیداچه دیده می‌شود، مسلماً رابطه نزدیک $\nu\iota\omicron\varsigma$ را نمی‌رساند. عنوان $\pi\alpha\iota\varsigma$ در ترجمه سبعینیه برای موسی (یوشع ۷: ۱۴) و برای داوود (مزامیر ۱: ۱۸؛ اشعیا ۳۷: ۲۵) و معادل עֶבֶר به کار رفته است. همین طور گرچه در متون یهودی قرن اول قبل از میلاد این واژه زیاد به کار نرفته است، در همان موارد اندک نیز بیشتر به معنای «بنده» است. در عهد جدید این واژه هم به صورت عام و هم به صورت عنوانی برای اشخاصی مانند داوود (لوقا ۱: ۶۹؛ اعمال رسولان ۴: ۲۵) استفاده شده است. اما در زمانی که این واژه برای عیسی استفاده می‌شود، خوانندگان برای مشخص کردن معنا بین معنای اولیه (فرزند) و ثانویه (بنده) دچار مشکل می‌شوند؛ زیرا اولاً در متون مسیحایی عهد عتیق (مانند اشعیا ۵۲: ۱۳) برای بنده خدا از همین واژه استفاده شده است و ثانیاً در برخی

متون با توجه به قرینه، معادل «بنده» برای παῖς مناسب‌تر است. یکی از این موارد *دیداخه* است که چون در ۲:۹ داوود παῖς τοῦ θεοῦ (بنده خدا) خوانده می‌شود، پس در سایر مواردی که *دیداخه* این اصطلاح یونانی برای عیسی به کار برده است باید آن را معادل «بنده خدا» دانست. اما لغت‌شناسان در موارد دیگر موجود در متون مسیحی معادل «پسر» را ترجیح می‌دهند، به‌خصوص با توجه به اینکه در متون یونانی این تعبیر در رابطه با خدایان و موجودات الهی به معنای «پسر» بوده است. در مواردی نیز که اتفاقاً در عهد جدید هم دیده می‌شود، لغت‌شناسان هر دو معنا را جایز می‌دانند (اعمال رسولان ۳: ۱۳ و ۲۶: ۴، ۲۷ و ۳۰).

دلیل دیگر برای ترجیح معنای «بنده» در *دیداخه* عدم استفاده کلیساهای غیریهودی‌الاصل از این عنوان است. متون بیرون از مسیحیت یهودی اگر هم گاهی از این عنوان استفاده کرده‌اند، آن را «فرزند» دانسته‌اند. همین‌طور باید توجه داشته باشیم که در منابع مسیحی پس از عهد جدید عنوان παῖς θεοῦ فقط یازده بار و در سه اثر، آن هم بیشتر در اوراد عبادی به کار رفته است.

واژه دیگر عنوان «خداوند» (Κύριος) است که حتی در قدیمی‌ترین متن مسیحیت (مربوط به حدود سال ۵۰ م) برای عیسی به کار رفته است (اول تسالونیکیان ۱: ۱). همین‌طور گفته می‌شود که نخستین اعتراف ایمانی مسیحیان عبارت بود از: Κύριος Ἰησοῦς (عیسی خداوند است). ببینیم «خداوند» در قرون نخست میلادی به چه معنا بوده است. این واژه برای شوهر، ارباب، صاحب‌خانه و فرمانروا استفاده می‌شد و شخصیت‌های فراتر از انسان مانند فرشتگان و خدایان نیز به این لقب خوانده شده‌اند: شواهد یهودی مربوط به چند قرن پیش از ویرانی دوم اورشلیم نشان می‌دهد که استفاده از واژه «خداوند» برای خدا در میان یهودیان فلسطینی کم‌کم رواج می‌یافت. نمونه بارز چنین استفاده‌ای ارجاع متی ۳: ۳ به اشعیا ۴۰: ۳ است. اناجیل از این عنوان برای عیسی استفاده می‌کنند. آیا این واژه می‌تواند به معنای الوهیت عیسی باشد؟ بسیاری از دانشمندان می‌گویند در محیطی که «خداوند» برای یهوه استفاده می‌شد، پولس می‌توانست از این واژه استفاده کند تا عیسای پس از رستاخیز را فرا انسانی و شاید هم‌طراز خدا بداند. البته فارغ از مقصود پولس، صرف استفاده از یکی از القاب خدا (مثلاً خداوند) برای عیسی نمی‌تواند دلیلی قانع‌کننده برای تلقی کل جامعه از الوهیت وی باشد.

در *دید/خه* عنوان «خداوند» گاهی برای همان عیسایی به کار می‌رود که «بنده» خداست. این استفاده برای بسیاری از خوانندگان غریب و فهم‌ناپذیر نیست: عیسی نسبت به خدا «بنده» و نسبت به مؤمنان «خداوند» است. همان‌طور که گفته شد، در *دید/خه* تنها استفاده‌های نام عیسی در اوراد شکرگزاری است؛ اما *دید/خه* از «خداوند» (و نه ضرورتاً «عیسی») استفاده می‌کند تا بسیاری از امور را توضیح دهد، توجیه کند یا اهمیتشان را بیان کند. فقط در ۱۱:۴ خداوند به معنای ارباب در زندگی روزمره است؛ در سایر موارد، این عنوان به موجودی والاتر اشاره دارد: خداوند و انجیل خداوند اولین و مهم‌ترین دلیل برای انجام عملی خاص هستند. گفته می‌شود که اشاره به «خداوند» از افزوده‌های گردآورنده نهایی متن بوده و او می‌خواسته است با این کار به مطالب متن حجیت بیشتری ببخشد (Schroeter, 2008: 239؛ البته شروتر و سایر دانشمندان بر این باورند که عنوان «خداوند» به دلیل معانی همراه با الوهیت ارزشی والا داشته است). از مجموع اینها به نظر می‌رسد در جاهایی در این متن که «خداوند» به عیسی اشاره دارد، این عیسی با هر رهبر یا شخصیتی متفاوت است و سخن او را باید دقیقاً اجرا کرد. همچنین در مواردی مانند ۵:۱۰ و ۳:۱۴ «خداوند» برای خدا به کار رفته است.

واژه خداوند در موارد بسیاری در عبارت انجیل خداوندی استفاده شده است. مقصود از «انجیل» چیست؟ در عهد جدید، انجیل (εὐαγγέλιον) به معنای لغوی یعنی «بشارت» به کار می‌رود و از همین ماده «بشارت دادن» نیز در عهد جدید بسیار به چشم می‌خورد. می‌دانیم که عهد جدید نخست به نیت یک کتاب به شکل امروزی آن تنظیم نشده بود. نخستین اشاره به نوشته‌های مسیحی در رسالهٔ دوم پطرس ۱۶:۳ (مربوط به حدود سال ۱۰۰م) دیده می‌شود که در آن از واژه γραφαί (نوشته‌ها، مکتوبات) همراه با رساله‌های پولس استفاده شده است. از اواخر قرن نخست، بیشتر گروه‌های مسیحی تنها به یک انجیل از انجیل چهارگانه توجه می‌کردند گاه از وجود اناجیل دیگر بی‌خبر بودند. در نسخ خطی به جای مانده از قرن سوم برای نخستین بار مجموعه‌هایی شامل بیش از یک انجیل دیده می‌شود. مسلماً در *دید/خه* «انجیل» به موضوعی شناخته شده و مشترک میان مخاطبان و نگارنده دلالت دارد. بسیاری از دانشمندان اعتقاد دارند که در این اثر، «انجیل» به معنای سنت عیسوی است و نه بشارت یا کتابی خاص

هنگامی که از دیداخه «رسولان» صحبت می‌کنیم، می‌خواهیم بدانیم که مقصود از «رسول» چیست. رسول معادل واژه یونانی ἀποστόλος است که بعداً در انگلیسی apostle شده است. معنای نخست واژه یونانی، «فرستاده» است؛ گرچه در عهد جدید از واژه ἀγγελος نیز برای رساندن این مفهوم استفاده می‌شود (لوقا ۷:۲۴). واژه «رسول» در عهد جدید هم به معنای خاص دوازده رسول عیسی (که در سنت اسلامی به «حواریون» معروف‌اند) و هم به معنای عام‌تر رسولان عیسی که پس از رستاخیز به تبلیغ می‌پرداختند (عنوانی که پولس برای خود به کار می‌برد) و هم به معنای کاملاً عام هر فرستاده زمینی و آسمانی است. عنوان دوازده رسول در ابتدای دیداخه احتمالاً به دوازده شاگرد خاص عیسی برمی‌گردد، گرچه نگارنده هرگز کتاب را به آنان نسبت نمی‌دهد. در متن کتاب توصیه‌هایی در مورد رسولان و انبیا وجود دارد. می‌توان دید که رسولان و انبیا به ترتیب نقش انبیا و کاهنان بنی‌اسرائیل را ایفا می‌کردند؛ انبیای یهودی و رسولان مسیحی به امور دینی می‌پرداختند در حالی که کاهنان یهودی و انبیای مسیحی اجرای امور آیینی (cultic) مردم را بر عهده داشتند. روشن است که آفت یک رسول تعلیم غلط است. اما نبی دروغین مشکلی بزرگ‌تر ایجاد می‌کند و از این رو باید شناخته و طرد شود. پس از اندکی دو منصب رسول و نبی از جامعه مسیحیت رخت بریست و تا امروز اسقف عالی‌ترین منصب کلیسا را دارد.

در ادامه نخستین ترجمه فارسی دیداخه از اصل یونانی خواهد آمد. پاورقی‌ها اطلاعاتی دربارهٔ بینامتن‌ها و معنای واژه‌ها ارائه می‌دهند. امید است که این متن خوانندگان فارسی‌زبان را با فرهنگ صدر مسیحیت آشنا تر کند.

دیداخه دوازده رسول

تعلیم خداوند از طریق دوازده رسول به امت‌ها

فصل اول

۱. دو راه وجود دارد: یکی راه زندگی و دیگری راه مرگ. این دو راه با هم تفاوت زیادی دارند.^۱

۱. مزامیر ۱:۶. در رسالهٔ برنابا ۱:۱۸ از «دو راه» نور و ظلمت سخن گفته می‌شود و درون‌مایهٔ «دو راه» تا پایان رساله (با عباراتی شبیه دیداخه) ادامه می‌یابد.

۲. راه زندگی این است: نخست، خدای آفریننده خود را دوست بدار؛ دوم، همسایه‌ات را مانند خویشتن دوست بدار.^۱ همه چیزهایی را که می‌خواهی با تو نشود، با دیگری مکن.^۲

۳. تعلیم مربوط به این سخنان چنین است: دشنام‌دهندگان خود را دوست بدارید و برای دشمنانتان دعا کنید؛ همچنین برای کسانی که شما را آزار می‌دهند، روزه بگیرید. چه فایده‌ای دارد اگر دوست‌داران خود را دوست داشته باشید؟ مگر امت‌ها چنین نمی‌کنند؟ اما شما کسانی را که شما را دشمن می‌دارند، دوست بدارید^۳ تا دشمنی نداشته باشید.

۴. از شهوات جسمانی^۴ دوری کن.^۵ اگر کسی بر گونه راست تو سیلی زد، گونه دیگر را نیز به سوی او بگردان^۶ تا کامل باشی.^۷ اگر کسی تو را مجبور کرد برای کاری یک فرسنگ بروی، دو فرسنگ با وی برو. اگر کسی ردایت را گرفت، پیراهنت را نیز به وی بده. اگر کسی مالت را از تو گرفت، از او بازخواه.^۸ زیرا نخواهی توانست.

۵. اگر کسی از تو چیزی خواست، به او بده و از او بازخواه؛^۹ زیرا پدر می‌خواهد از موهبت‌های او به همه داده شود. خوشا به حال کسی که طبق فرمان ببخشد! زیرا او بی‌گناه است. وای بر کسی که چیزی بگیرد! زیرا اگر نیازمند چیزی بگیرد، بی‌گناه است؛ اما کسی که نیاز ندارد، دلیل بیاورد که چرا و به چه منظوری گرفته است، به زندان افکنده شود و درباره کاری که کرده است، بازجویی شود و از آنجا رها نگردد تا اینکه فلس آخر را ادا کند.^{۱۰}

۱. متی ۲۲: ۳۷-۳۹؛ مرقس ۱۲: ۳۰-۳۱؛ لوقا ۱۰: ۲۷؛ تثنیه ۵: ۶؛ لاویان ۱۹: ۱۸.

۲. متی ۱۲: ۷؛ لوقا ۶: ۳۱.

۳. متی ۵: ۴۴-۴۷؛ لوقا ۶: ۲۷-۳۵.

۴. در نسخه ناقص *Oxyrhynchus Papyrus* مربوط به قرن چهارم «و بدنی» افزوده شده است.

۵. اول پطرس ۲: ۱۱.

۶. متی ۳۹: ۵.

۷. متی ۴۸: ۵.

۸. متی ۵: ۴۰-۴۱؛ لوقا ۶: ۲۹-۳۰.

۹. لوقا ۶: ۳۰.

۱۰. رک: متی ۵: ۲۶؛ لوقا ۱۲: ۵۹.

۶. بلکه درباره این امر همچنین گفته شده است: «صدقات در دستانت عرق کند تا بدانی آن را به چه کسی بدهی»^۱.

فصل دوم

۱. اما فرمان دوم تعلیم:
۲. قتل مکن. زنا مکن. غلامبارگی مکن. بی‌عفتی مکن. دزدی مکن. جادوگری مکن. افسونگری مکن. بچه را سقط مکن و بچه‌ای را که به دنیا آمده است، مکش.
۳. به مال همسایهات طمع موز. قسم دروغ مخور. شهادت دروغ مده. دشنام مده. کینه به دل مگیر.
۴. دمدمی مزاج و دوزبان مباش؛ زیرا دوزبانی دام مرگ است.
۵. سخن تو باطل و دروغ نباشد.
۶. فریبکار، حریص، ریاکار، کینه‌توز و متکبر مباش. فکر شریرانه‌ای بر ضد همسایهات مکن.
۷. با همه انسان‌ها دشمن مباش؛ بلکه کسانی را تأدیب کن، برای کسانی دعا کن و کسانی را بیش از خودت دوست بدار.

فصل سوم

۱. فرزندانم، از هر شرارتی و از هر چیزی مانند آن بگریز.
۲. تندمزاج مباش که تندمزاجی به قتل می‌انجامد. همچنین طمعکار و جنگ‌طلب و تندخو مباش؛ زیرا از همه اینها قتل زاییده می‌شود.
۳. فرزندانم، حریص مباش؛ زیرا حرص به بی‌عفتی می‌انجامد. همچنین بددهن و بی‌بندوبار نباش؛ زیرا از همه اینها زنا زاییده می‌شود.
۴. فرزندانم، غیب‌گویی مکن؛ زیرا آن به بت‌پرستی می‌انجامد. ورد مخوان، به تنجیم و [آیین‌های] تطهیر مشغول شو و نیز خواه آنها را ببینی یا بشنوی؛ زیرا از همه اینها بت‌پرستی زاییده می‌شود.

۱. این سخن در سایر منابع مسیحی یافت نمی‌شود.

۵. فرزندانم، دروغگو مباش؛ زیرا دروغ به دزدی می‌انجامد و پول دوست مباش و به امور بیهوده مغرور مشو؛ زیرا از همه اینها دزدی زائیده می‌شود.
۶. فرزندانم، غرولند مکن؛ زیرا آن به کفرگویی می‌انجامد. همچنین مغرور و بداندیش مباش؛ زیرا از همه اینها کفرگویی زائیده می‌شود.
۷. حلیم باش؛ زیرا حلیمان وارث زمین خواهند شد.^۱
۸. صبور و رحیم دل و بی‌فریب و آرام باش و از کلماتی که می‌شنوی، لرزان شو.
۹. خود را بلند مکن و گستاخ مباش. نفس تو با متکبران نپیوندد، بلکه با عادلان و فروتنان معاشرت کن.
۱۰. حوادثی را که برایت رخ می‌دهد، مانند نیکویی‌ها بپذیر و بدان که جدای از خدا هیچ نشود.

فصل چهارم

۱. فرزندانم، کسی را که کلمه خدا را به تو می‌گوید، شبانه‌روز به یاد داشته باش و او را مانند خداوند گرامی بدار؛ زیرا هر جا از امور خداوند سخن گفته شود، خداوند آنجاست.
۲. هر روز حضور مقدسان را طلب کن تا با سخنان ایشان آرام‌گیری.
۳. تفرقه می‌فکن. نزاع‌کنندگان را آشتی بده. با عدالت داوری کن و هنگام تأدیب کسی به سبب تقصیراتش، بی‌طرف باش.
۴. شک مکن که آیا چنین خواهد بود یا نه.
۵. چنان مباش که هنگام گرفتن دست خود را دراز کنی و هنگام دادن دست را جمع کنی.
۶. اگر چیزی در دستان خود داری، برای فدیة گناهانت بده.
۷. برای دادن شک مکن و هنگام دادن غرولند مکن؛ زیرا باید بدانی که چه کسی پاداش‌دهندهٔ نیکوست.

۸. نیازمند را رد مکن؛ بلکه همه چیز را با برادرت شریک شو و چیزی را از آن خود بدان.^۱ اگر در بقا شریک هستی، چه بیشتر در فنا؟
۹. بر پسر یا دخترت دست بلند مکن، بلکه به نوجوان ترس خدا را بیاموز.
۱۰. به خادم یا خادمه‌ات که به خدا امید دارند، با خشونت فرمان مده؛ مبادا دیگر از خدای هر دویتان نترسند. زیرا او نمی‌آید تا جانبدارانه کسی را بخواند، بلکه کسانی را که روح آنان را آماده کرده است.
۱۱. اما شما، ای خادمان، خداوندانتان را مانند صورت خدا با شرم و ترس اطاعت کنید.

۱۲. هر نوع ریاکاری و هر چیزی را که نزد خداوند ناپسند است، دشمن بدار.
۱۳. فرمان‌های خداوند را ترک مکنید و آنچه را پذیرفته‌اید، نگه دارید. به آن چیزی می‌فزایید و از آن چیزی کم مکنید.^۲
۱۴. در کلیسا به گناهان خویش اعتراف کن و با فکر بد به دعا مرو. این بود راه زندگی.

فصل پنجم

۱. راه مرگ این است: نخست، همه شر است و سرشار از لعنت. قتل، زنا، طمع، بی‌عفتی، دزدی، بت‌پرستی، جادوگری، افسون‌گری، غارت، شهادت دروغ، ریاکاری، دورویی، فریب، تکبر، شرارت، غرور، مکر، بددهنی، حسادت، گستاخی، غرور، لاف‌زنی، بی‌حرمتی.
۲. آزار دهندگان خوبان، دشمنان حقیقت، دوست‌داران دروغ، کسانی که پاداش پارسایی را نمی‌شناسند، به امر نیکو یا حکم عادلانه متصل نیستند و نه برای نیکوکاری، بلکه برای بدکاری آماده‌اند. از حلم و شکیبایی دوری می‌کنند، باطیل را دوست دارند، دنبال پاداش‌اند، به بیچارگان رحم نمی‌کنند و برای خستگان زحمت

۱. اعمال ۳۲:۴.

۲. تنبیه ۴:۱۲؛ ۳۲:۱۲.

نمی‌کشند. خالق خود را نمی‌شناسند، بچه‌ها را می‌کشند و صنع خدا را تباه می‌کنند، نیازمند را رد می‌کنند، مصیبت‌دیده را آزار می‌دهند، به ثروتمندان خدمت می‌کنند، بر فقیران بر خلاف شریعت حکم می‌کنند و کاملاً گناهکار. فرزندان، از همه اینها رها باشید.

فصل ششم

۱. زنهار کسی تو را از این راه تعلیم منحرف نکند؛ زیرا او چیزی را جدای از خدا به تو تعلیم می‌دهد.
۲. اگر بتوانی همه یوغ خداوند را تحمل کنی، کامل هستی؛^۱ اما اگر نمی‌توانی، آنچه را می‌توانی، انجام بده.
۳. درباره غذا، آنچه را می‌توانی بردار. از قربانی بت‌ها به شدت پرهیز؛ زیرا آن عبادت خدایان مرده است.

فصل هفتم

۱. درباره تعמיד، این گونه تعמיד دهید. پس از گفتن همه چیزهای بالا، به نام پدر و پسر و روح القدس^۲ در آب روان تعמיד دهید.
۲. اگر آب روان‌نداری، با آبی دیگر تعמיד بده. اگر با آب سرد نمی‌توانی، با آب گرم.
۳. اگر هیچ یک را نداری، سه بار به نام پدر و پسر و روح القدس آب را به سر بریز.
۴. پیش از تعמיד، تعמיד‌دهنده و تعמיד‌شونده روزه بگیرند؛ همچنین کسان دیگری در صورت توانایی. به تعמיד‌شونده دستور بده که یک یا دو روز پیش از آن روزه بگیرد.

۱. رک: متی ۱۱: ۲۸-۳۰. در ادبیات یهودی «یوغ» مجازاً به معنای عمل طاقت‌فرسا و در عین حال لذت‌بخش اطاعت از تورات است (رک: ارمیا ۵: ۵؛ متی ۴: ۲۳؛ اعمال ۱۵: ۱۰). دانشمندان همین تفسیر را در این بخش به کار برده‌اند و حتی برخی فقره بعد (۳: ۶) را به رعایت کاشتر مربوط دانسته‌اند.

۲. متی ۱۹: ۲۸.

فصل هشتم

۱. روزه‌گیران شما با ریاکاران نباشند؛^۱ زیرا آنان دوشنبه و پنج‌شنبه روزه می‌گیرند، اما شما چهارشنبه و جمعه روزه بگیرید.
۲. مانند ریاکاران دعا کنید،^۲ بلکه همان‌گونه که خداوند در انجیل خود دستور داده است، این‌گونه دعا کنید: پدر ما که در آسمانی، نام تو مقدس باد، ملکوت تو بیاید، اراده‌ات چنان‌که در آسمان است، بر زمین نیز محقق شود. نان روزانه ما را امروز به ما بده و بدهی ما را ببخش، همان‌طور که ما بدهکارانمان را می‌بخشیم و ما را به تجربه می‌فکن، بلکه ما را از شریر^۳ نجات بده؛ زیرا قدرت و جلال تا ابد از آن توست.^۴
۳. روزی سه بار این‌گونه دعا کنید.

فصل نهم

۱. درباره عشای ربانی،^۵ این‌گونه شکرگزاری کنید.^۶
۲. نخست درباره پیاله: ای پدر ما، تو را شکر می‌کنیم، به خاطر تاک مقدس داوود بنده تو. جلال تا ابد از آن توست.
۳. درباره تکه نان: ای پدر ما، تو را شکر می‌کنیم به خاطر زندگی و معرفتی که از طریق عیسی بنده‌ات به ما نشان دادی. جلال تا ابد از آن توست.
۴. همان‌طور که این تکه نان بر کوه‌ها پراکنده بود و در یک جا جمع شد، کلیسای تو از اقصای زمین در ملکوت تو جمع شود؛ زیرا جلال و قدرت از طریق عیسی مسیح تا ابد از آن توست.

۱. متی ۱۶:۶. مقصود از «ریاکاران» یهودیان است که دوشنبه و پنج‌شنبه روزه می‌گرفتند.

۲. ری: متی ۵:۶.

۳. یا «شر».

۴. متی ۹:۹-۱۳.

۵. واژه *eucharistia* که منشأ واژه انگلیسی *eucharist* یعنی عشای ربانی است، در اصل به معنای شکرگزاری است. در متون قدیمی مانند متن حاضر، گاهی تمییز دادن بین «شکرگزاری» و «برگزاری عشای ربانی» دشوار است.

۶. یا «عشای ربانی را برگزار کنید». با توجه به اینکه در این فصل فقط شکرگزاری (و نه کل عشای ربانی) توضیح داده شده است، تعبیر «شکرگزاری» را ترجیح دادیم.

۵. جز کسانی که به نام خداوند تعمید یافته‌اند، کسی از عشای ربانی شما نخورد و نیاشامد؛ زیرا خداوند دربارهٔ این گفته است: آنچه را مقدس است، به سگان مدهید.^۱

فصل دهم

۱. پس از سیر شدن^۲ این‌گونه شکرگزاری کنید:
۲. ای پدر مقدس، تو را شکر می‌کنیم به خاطر نام مقدست که در قلب‌های ما ساکن ساختی و به خاطر معرفت و ایمان و بقایی که از طریق عیسی بندهات به ما نشان دادی. جلال تا ابد از آن توست.
۳. ای فرمانروای مطلق، تو همه را به خاطر نامت آفریدی. خوراک و نوشیدنی برای لذت به انسان‌ها دادی تا تو را شکر کنند. اما به ما خوراک و نوشیدنی روحانی و حیات ابدی از طریق بندهات دادی.
۴. به خاطر همهٔ اینها تو را شکر می‌کنیم؛ زیرا تو توانا هستی. جلال تا ابد از آن توست.
۵. خداوندا، کلیسای خود را به یاد داشته باش، آن را از هر شری برهان، آن را در محبت خویش کامل کن و آن را از بادهای اربعه در ملکوت خود که آماده کرده‌ای، جمع کن. زیرا قدرت و جلال تا ابد از آن توست.
۶. فیض بیاید و این جهان بگذرد. هوشیاعاناً^۳ خدای داوود. اگر کسی مقدس است، بیاید. اگر کسی مقدس نیست، توبه کند. ماران آتا.^۴ آمین.

۱. متی ۶:۷.

۲. از این عبارت می‌توان فهمید که در مراسم عشای ربانی شامی مفصل صرف می‌شد. اما چون در دعای عشای ربانی (دیدار ۹) هیچ اشاره‌ای به شام آخر یا مرگ مسیح نشده است، در مورد طبیعت این «عشای ربانی» نظریات مختلفی وجود دارد.

۳. این عبارت نخستین بار در مزایم ۲۵:۱۱۸ آمده و به معنای «ما را نجات بده» است. در عهد جدید (متی ۲۱: ۹، ۱۵ و مرقس ۱۱: ۹، ۱۰ و یوحنا ۱۲: ۱۳) به شکل $\text{\textit{\rho\sigma\alpha\nu\nu\acute{\alpha}}}$ آمده است. هنگام ورود عیسی به اورشلیم ساکنان آن شهر از این عبارت برای سلام گفتن به عیسی استفاده کردند.

۴. رک: اول قرنثیان ۱۶: ۲۲. در نسخه‌های عهد جدید این عبارت به دو صورت دیده شده است: یکی $\text{\textit{\mu\alpha\rho\theta\acute{\alpha}\nu\alpha\ \theta\acute{\alpha}}}$ که شکل یونانی جملهٔ آرامی $\text{\textit{\alpha\gamma\eta\ \kappa\epsilon\ \rho\eta\mu\acute{\alpha}}}$ به معنای «خداوندا بیا» است که ترجمهٔ آن در مکاشفه ۲۰: ۲۲ نیز آمده

۷. بگذارید انبیا هر چه می‌خواهند، شکرگزاری کنند.^۱ و^۲

فصل یازدهم

۱. اگر کسی آمد و همه چیزهایی را که در بالا گفته شد، به شما تعلیم داد، وی را بپذیرید.
۲. اما اگر آن معلم برگشت و تعلیمی دیگر برای باطل کردن اینها داد، به او گوش ندهید. اما اگر برای عدالت و معرفت خداوند چیزی افزود، او را مانند خداوند بپذیرید.
۳. درباره رسولان و انبیا طبق تعلیم انجیل عمل کنید.
۴. هر رسولی را که نزدتان می‌آید، مانند خداوند بپذیرید.
۵. اما او نباید بیش از یک روز بماند. اگر نیاز باشد، روز دیگری نیز بماند. اما اگر روز سوم ماند، نبی دروغین است.
۶. اما اگر رسولی می‌رود، فقط یک قرص نان برگیرد تا اینکه مکان بیتوته‌ای بیابد. اگر پول طلب کند، نبی دروغین است.
۷. و هیچ نبی‌ای را که در روح سخن می‌گوید، تجربه نکنید و داوری نکنید؛ زیرا همه گناهان آمرزیده می‌شود، اما این گناه آمرزیده نمی‌شود.
۸. اما هر کس در روح سخن می‌گوید، نبی نیست؛ بلکه کسی که رفتار خداوند را دارد. نبی دروغین و نبی با رفتار بازشناخته خواهند شد.
۹. و هیچ نبی‌ای که سفره‌ای در روح می‌گستراند، از آن نمی‌خورد، مگر اینکه نبی دروغین باشد.

است. صورت دیگر $\mu\alpha\rho\acute{\alpha}\nu\ \acute{\alpha}\theta\acute{\alpha}$ شکل یونانی جمله آرامی ܡܫܚܐܘܢܐ است به معنای «خداوند آمده است». در نسخه‌های دیدگاه فقط صورت اخیر به چشم می‌خورد و به طور کلی در متون صدر مسیحیت این عبارت فقط همین دو بار ذکر شده است (برخی با در نظر گرفتن اینکه آخرین حرف الفبای آن زمان «تاو» است، عبارت آرامی را این گونه تفسیر کرده‌اند: «خداوند الف و تاو است» یعنی خداوند اول و آخر است).

۱. یا «عشای ربانی برگزار کنند».
۲. نسخه‌ای مهم از دیدگاه در *Apostolic Constitution* (مربوط به قرن چهارم) و قطعه‌ای از ترجمه قبطی دیدگاه به جای‌مانده از قرن پنجم پس از این جمله، فقره دیگری (۸:۱۰) اضافه می‌کنند: «درباره تدهین، این گونه شکرگزاری کنید و بگویید: پدر، تو را شکر می‌کنیم به خاطر روغنی که از طریق عیسی بندهات به ما نشان دادی. جلال تا ابد از آن توست».

۱۰. هر نبی‌ای که حقیقت را می‌آموزد، اگر به آنچه می‌آموزد عمل نکند، نبی دروغین است.
۱۱. هر نبی آزمایش شده و حقیقی که برای سرّ دنیوی کلیسا عمل می‌کند و آنچه را انجام می‌دهد، تعلیم نمی‌دهد بلکه به آن عمل می‌کند، بر او داوری مکنید؛ زیرا داوری وی با خداست؛ زیرا انبیای پیشین نیز چنین می‌کردند.
۱۲. اما اگر کسی در روح بگوید: به من پول و چیز دیگری بده، به او گوش مدهید. اما اگر بگوید که به نیازمندان دیگر داده شود، کسی بر او داوری نکند.

فصل دوازدهم

۱. هر کس به نام خداوند می‌آید، پذیرفته شود. سپس با آزمودن او را بشناسید، زیرا راست و چپ را بازمی‌شناسید.
۲. اگر کسی که می‌آید رهگذر است، او را تا می‌توانید یاری کنید. اگر لازم است، فقط دو یا سه روز پیشتان بماند.
۳. اما اگر می‌خواهد نزد شما سکونت کند، اگر هنری دارد، کار بکنند و از آن بخورد.
۴. اما اگر هنری ندارد، تدبیری بیندیشید تا هیچ مسیحی‌ای با شما بیکار زندگی نکند.

۵. اگر نمی‌خواهد چنین کند، دلال مسیح^۱ است. از چنین کسانی دوری کنید.

فصل سیزدهم

۱. هر نبی حقیقی‌ای که می‌خواهد با شما سکونت کند، مستحق غذایش است.
۲. به همین صورت معلم حقیقی مانند کارگر مستحق غذایش است.^۲
۳. نوبر خمرة شراب و خرمن و نوبر گاو و گوسفند را بردار و به انبیا بده؛ زیرا اینان کاهنان اعظم شمايند.

۱. Χριστέμπορος در متون به جای مانده از صدر مسیحیت این واژه فقط در کتاب حاضر آمده و به معنای کسی است که با تعالیم مسیح ثمن بخشی حاصل می‌کند.

۲. متی ۱۰:۱۰.

۴. اما اگر نیای ندارید، آن را به فقیران بدهید.
۵. اگر نان درست می‌کنی، نوبر را بردار و طبق فرمان آن را بده.
۶. به همین ترتیب ظرف شراب یا زیتون را که می‌گشایی، نوبر آن را بردار و به انبیا بده.
۷. از پول و لباس و همه داراییات نوبر را بردار و همان طور که به نظر تو مناسب است، طبق فرمان بده.

فصل چهاردهم

۱. در روز خداوند که از آن خداوند است،^۱ جمع شده، نان بشکنید و شکرگزاری کنید. به تقصیرات خود اعتراف کنید تا قربانیتان پاک باشد.
۲. هر کس با دوستش در نزاع است، پیش از آنکه آشتی کند، میان شما نیاید مبادا قربانی شما نجس شود.^۲
۳. زیرا این سخن از خداوند است: در هر مکان و زمان برای من قربانی پاک بیاورید. خداوند می‌گوید: زیرا پادشاهی عظیم هستم و نام من در امت‌ها مهیب است.^۳

فصل پانزدهم

۱. برای خود اسقفان و شماسانی^۴ شایسته خداوند نصب کنید، مردانی حلیم و بی‌طمع و حقیقی و آزمایش شده؛ زیرا شما را مانند انبیا و معلمان خدمت می‌کنند.

۱. «κυριακή τοῦ κυρίου» مقصود یکشنبه است.

۲. رک: متی ۵: ۲۳-۲۴.

۳. ملاکی ۱: ۱۱-۱۴.

۴. ἐπίσκοπος (اسقف) و διάκονος (شماس) به ترتیب در لغت به معنای «ناظر» و «خادم» هستند که در متون غیردینی باستانی به کار می‌رفتند. معنای اصطلاحی این واژه‌ها برای مناصب کلیسایی نخستین بار در رساله به فیلیپان ۱:۱ (مربوط به حدود ۵۴-۵۷ م) و سپس در رساله اول به تیموتاؤس ۳: ۱-۱۳ (حدود ۱۰۰ م) به کار رفته است. گرچه نمونه اخیر و دیدار و ویژگی‌هایی را برای آنان برشمرده‌اند، مسئولیت‌های آنان در کلیسا چندان روشن نیست. جالب توجه است که منصب کشیش (πρεσβύτερος) (اعمال رسولان ۱۱: ۳۰ و ...) که بین این دو منصب قرار دارد، در این متن نیامده است.

۲. آنان را نادیده نگیرید؛ زیرا آنان در کنار انبیا و معلمان در میان شما محترم‌اند.
۳. یکدیگر را نه در خشم، بلکه در صلح همان‌گونه که در انجیل دارید، اصلاح کنید.^۱ و اگر کسی به دیگری تعدی کرد، پیش از آنکه توبه کند، هیچ کس با وی سخن نگوید و خودش از هیچ یک از شما چیزی نشنود.
۴. دعاها و صدقات و همه اعمال را همان‌طور که در انجیل خداوندمان دارید، انجام دهید.

فصل شانزدهم

۱. مراقب زندگی خود باشید. چراغ‌هایتان خاموش نشوند و کمرهایتان گشوده نشود؛ بلکه آماده باشید؛ زیرا ساعتی را که در آن خداوندمان می‌آید، نمی‌دانید.^۲
۲. مرتباً جمع شوید و امور مناسب را برای نفوس خود بطلیبید؛ زیرا اگر در آخرالزمان کامل نباشید، کل زمان ایمانتان برای شما سودی نخواهد داشت.
۳. زیرا در روزهای آخر انبیای دروغین و مفسدان زیاد خواهند شد و گوسفندان گرگ خواهند شد و محبت به نفرت تبدیل خواهد شد.
۴. به سبب افزایش بی‌دینی یکدیگر را دشمن خواهند داشت و آزار خواهند داد و تسلیم خواهند کرد.^۳ در آن زمان فریبنده جهان^۴ به عنوان پسر خدا ظاهر خواهد شد و آیات و معجزاتی انجام خواهد داد^۵ و زمین به دست او داده خواهد شد و مرتکب جرم‌هایی خواهد شد که هیچ کس در روزگار نکرده است.
۵. در آن هنگام بشریت به آتش تجربه خواهند رسید و بسیاری لغزش

۱. رک: لایوان ۱۹: ۱۷.

۲. رک: متی ۲۴: ۴۲؛ لوقا ۱۲: ۴۰؛ مرقس ۱۳: ۳۵ و ۳۷.

۳. متی ۲۴: ۱۰-۱۲.

۴. Κοσμοπλάνης: در لغت به معنای فریبنده جهان به دجال اشاره دارد. این اصطلاح تنها در این متن قدیمی مسیحیت آمده است.

۵. رک: مرقس ۱۳: ۲۲.

خواهند خورد و خواهند مرد. اما کسانی که در ایمانشان بمانند، آن لعنت نجاتشان خواهد داد.^۱ و^۲

۶. و در آن زمان نشانه‌های حقیقت ظاهر خواهد شد. نشانه اول گشوده شدن آسمان،^۳ نشانه بعد صدای صور^۴ و نشانه سوم رستاخیز مردگان.

۷. اما نه همه مردگان؛ بلکه چنانکه گفته شده است: خداوند و همه مقدسان با او خواهند آمد.^۵

۸. در آن زمان جهانیان خداوند آینده را بر ابرهای آسمان خواهند دید.^۶...



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

۱. معنای این قسمت مشخص نیست.
۲. رک: متی ۲۴: ۱۰ و ۱۳.
۳. در واقع به معنای کشیده و باز شدن.
۴. رک: متی ۲۴: ۳۱؛ اول قرتیان ۱۵: ۵۲؛ اول تسالونیکیان ۴: ۱۶.
۵. زکریا ۱۴: ۵؛ اول تسالونیکیان ۳: ۱۳.
۶. رک: متی ۲۴: ۳۰.
۷. در نسخه خطی انتهای صفحه به شکلی غیرمعمول سفید مانده است. تصور می‌شود که هنگام استنساخ عمداً آن را ناتمام گذاشته‌اند تا بعداً مطالبی را به آن بیفزایند.

کتاب‌نامه

- Bromiley, Geoffrey W. (1985), *Theological Dictionary of the New Testament*, Michigan: William Eerdmans Publishing Company.
- Brown, Raymond E., et al. (1990), *The New Jerome Biblical Commentary*, New Jersey: Prentice Hall.
- Draper, Jonathan D. (2007), "The Didache", in *The Writings of the Apostolic Fathers*, Paul Foster, London and New York: T&T Clark.
- Ehrman, Bart D. (2008), *The New Testament: A Historical Introduction to the Early Christian Writings*, New York: Oxford University Press.
- _____ (ed.) (2003), "Didache", *The Apostolic Fathers*, vol. 1., Loeb Classical Library, London and Cambridge (Massachusetts): Harvard University Press, pp. 403-443.
- Mitchell, Margaret M. and Frances M. Young, (eds.) (2006), *The Cambridge History of Christianity (Origins to Constantine)*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Quasten, Johannes (1995), *Patrology*, Allen, Christian Classics.
- Schroeter, Jens (2008), "Jesus Tradition in Matthew, James, and the Didache: Searching for Characteristic Emphases", in: *Matthew, James, and Didache: Three Related Documents in Their Jewish and Christian Settings*, Society of Biblical Literature Symposium Series 45, Huub van de Sandt and Juergen K Zangenberg (eds), Atlanta: Society of Biblical Literature, pp. 233-255.
- Zangenberg, Juergen K. (2008), "Reconstructing the Social and Religious Milieu of the Didache: Observations and Possible Results", in: *Matthew, James, and Didache: Three Related Documents in Their Jewish and Christian Settings*, Society of Biblical Literature Symposium Series 45, Huub van de Sandt and Juergen K Zangenberg (eds), Atlanta: Society of Biblical Literature, pp. 43-69.